فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۸۸-۳۶۷ New Period, No 17, 2019, P 367-388
شماره شاپا (۷۰۱۸-۲۴۷۶) ISSN (2476-7018)

بررسی تشبیه و انواع آن در برخی از داستانهای کوتاه سیمین دانشور

ابراهیم ملک زاده
دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته ادبیات دانشگاه یاسوج. ایران

چکیده

داستانهای کوتاه دانشور از جهاتی چند حائز اهمیت است: نخست نوع نگارش داستان به لحاظ رویکرد به فنون داستان نویسی معاصر دیگر به جهت وجود نشانه‌های معنادار و نمادین اساطیری در کنار ارائهٔ فرهنگ عام است نمایاندن ارزش ادبی و هنری هر اثر منوط به زیبایی شناسی آن است؛ تشبیه علاوه بر اینکه از ارکان مهم و اساسی علم بیان محسوب می‌شود؛ بررسی و تحلیل انواع آن از نظر ساختار و محتوا می‌تواند بیانگر سبک وزبان خاص شاعر و نویسنده نیز باشد. این پژوهش بر آن است که از منظر کاربرد تشبیه می‌تواند راهگشایی برای علاقه مندان به آثار ادبی جهت فهم بهتر شعر و زیبایی‌های شعری ایشان باشد. با استفاده از اطلاعاتی که از مشخص کردن تشبیهات در داستان‌های کوتاه سیمین دانشور به دست می‌آید، بسامد کاربرد تشبیه در این آثار مشخص خواهد شد تا گرایش نویسنده به این تمهید هنری و نقش آن در وجهه ی ادبی سخن او آشکار گردد. نتیجه‌ی کلی این تحقیق رویکرد نویسنده به تشبیه در نمایش عاطفه است که از ویژگی‌های سبک خراسانی می‌باشد. لذا محقق دراین پژوهش بر آن است با تحلیل تشبیه در داستانهای سیمین دانشور ابعاد گوناگون و اهمیت انواع تشبیه را در داستان‌های کوتاه این نویسنده را مورد بررسی و کنکاش قرارد دهد.

واژه‌های کلیدی: تشبیه، داستانهای کوتاه، سیمین دانشور، فنون داستان.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مقدمه

داستانهای کوتاه دانشور از جهاتی چند حائز اهمیت است: نخست نوع نگارش داستان به لحاظ رویکرد به فنون داستان نویسی معاصر. دیگر به جهت وجود نشانه‌های معنادار و نمادین اساطیری در کنار ارائهٔ فرهنگ عامه. به لحاظ مسایل اجتماعی و تاریخی که در کشورها و میان ملت‌ها وجود داشته، نویسندگان نیز با انتخاب رئالیسم جادویی خواسته اند به نوعی خودآگاهی در آثارشان دست یابند، آن ها با انعکاس افسانه‌ها و رویاهایی که با فرهنگ و اجتماع در آمیخته شده، قصد دارند به نحوی در بیداری ملت موثر واقع شوند و دلایل وجود چنان مسایلی را در فرهنگ بازگو نمایند. سمین دانشور در سال ۱۳۰۰در شیراز به دنیا آمد در سال ۱۳۲۸در رشته زبان و ادبیات فارسی ار دانشگاه تهران دکترا گرفت و یک سال بعد با جلال آل احمد ازدواج کرد مدتی در مدرسه عالی موسیقی تهران موسیقی درس داد و بیشتر از بیست سال در دانشگاه تهران به تدریس ادبیات و تاریخ هنر پرداخته است. سیمین دانشور یکی از نویسندگان واقع گرایی است که از این شیوه ادبی در نویسندگی خود استفاده کرده است. او که به طور قاطعانه به نویسندگی روی آورده بود، داستان های متعددی نوشت. آثار او را می توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول کتاب‌هایی است که خود نوشته و خلق کرده، دسته دوم نیز کتاب‌هایی است که او آنها را ترجمه کرده است. در این تحقیق به تحلیل رمان‌ها و مجموعه های داستانی این بانوی داستان نویس معاصر پرداخته ایم. رمان با توجه به تعریف و ساختار ویژه و ظرفیت خاصی که برای آن در نظر گرفته شده است، نظام‌های بدیعی خاص خود را می‌طلبد.

تشبیه[1]

«تشبیه» در لغت همانند ساختن و مثال آوردن است و در اصطلاح عبارتست از شبیه کردن چیزی به چیزی یا مشارکت دو چیز در صفت یا صفاتی که به وسیله ی واژه‌هایی چون: گوئی، مثل، چون، به سان، به کردار و. . . صورت پذیرد. تشبیه مانند کردن چیزی به چیزی، مشروط بر اینکه مانندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ نما باشد، یعنی با اغراق همراه باشد. در واقع ما این شباهت و همانندی را ادعا و برقرار یا آشکار می کنیم. (تقوی، ۱۳۱۷: ۱۶)

«تشبیه، در علم بیان مانند کردن چیزی است به چیزی دیگر. تشبیه مانندگی مبتنی بر کذب است یا با اغراق همراه است؛ یعنی باید دو چیز را که به یک‌دیگر شبیه نیستند و یا لااقل شباهتی آشکارا ندارند، را به هم مانند کنیم». (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۴۷)

در تشبیه، نویسنده یا شاعر شباهتی را ادعا و برقرار یا آشکار می‌کند. بنابراین، جمله‌ای که تمام ارکان تشبیه را داشته باشد اما مبتنی بر صدق باشد- چون مخیل نیست، تشبیه نیز به حساب نمی‌آید. مثلاً در جمله «سگ مانند شغال است» چون جمله مخیل نیست و در عالم واقع هم سگ و شغال از یک گونه‌اند، تشبیهی روی

1. Simile

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

نداده است. اما جمله تشبیهی جمله‌ای است که به ظاهر درست نمی‌نماید، و باعث اعجاب می‌شود و کسی در دید منطقی به آن باور ندارد (صفا، ۱۳۴۲: ۴۴۸)

انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین

تشبیه مفردکه طرفین هر کدام یک چیز هستند یعنی چیزی به چیزی تشبیه شده است.

مثال: رخسار چون گل رخسار: مشبه گل: مشبه به (مفرد به مفرد)

تشبیه مفرد بر دو قسم است: مفرد مجرّد، مفرد مقیّد

مفرد مجرّد: پرتو او مثل خورشید است یا گونه ی او مانند گل است

که « پرتو» و « گونه» هر دو مشبه و «خورشید» و « گل» هر دو مشبه به هستند و بدون قید آمده اند.

مفرد مقیّد: به مفردی می‌گویند که به همراه آن یک کلمه، صفتی یا مضاف الیهی یا قیدی دیگر باشد (همایی، ۱۳۶۱، ۱۰۲)

مثال: رخساره چون گلستان خندان

آسمان چون کشتی سرنگون

مفرد به مرکب:که مشبه مفرد و مشبه به مرکب است

مثال: به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله به ندیم شاه ماند که به کف ایاغ دارد (حافظ، ۱۳۷۳:۱۷۳)

گل لاله: مشبه و مفرد و ندیم پادشاه که جام شراب در دست دارد مشبه به و مرکب است

مرکب به مرکب

مثال: بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی همچو عرق بر عذار شاهد غصبان (سعدی)

«قطره ی شبنم که بر گل سرخ افتاده» مشبه و « عرقی که بر چهره زیباروی خشمگین نشسته» مشبه به که هر دو مرکب هست

مرکب به مفرد

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عِذار چیست طاووس که در باغِ نعیم افتادست (همان: ۵۳)

انواع تشبیه به اعتبار وجه شبه

وجه شبه می تواند راستین (تحقیقی) و یا پندارین (تخییلی) باشد. (کزازی، ۱۳۸۵: ۴۸)

راستین:آن است که وجه شبه حقیقتاً در طرفین موجود باشد.

مثال: ای دو لب تو گل و دو رخسار تو گل مُل ده بر گل! که خوش بود گل بر مُل (سعد سلمان)

که وجه شبه در لب و گل و رخسار و گل، سرخی است و به راستی هر دو سوی تشبیه سرخ هستند.

پندارین: آن است که وجودش در طرفین یا در یک طرف بر حسب فرض و تخییل باشد.

مثال: از غم و درد چون گل و نرگس روز و شب، با سرشک و با سَهَرم (مسعود سعد سلمان)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

که و بیداری که وجه شبه است در شبه راستین اما در مشبه به، پندارین است.

«همچنین تشبیه به اعتبار وجه شبه می تواند تمثیل یا غیر تمثیل و مجمل یا مفصل باشد». (همایی، ۱۳۷۰: ۴۵)

تمثیل: تشبیهی است که وجه شبه در آن صفت برداشته شده از چند چیز باشد، چه آن چیزها حسی باشد چه غیر حسی.

مثال: شبی گیسو فروهشته به دامن پلاسین معجر و قیرینه گرزن

به کردار زن زنگی که هر شب بزاید کودکی بلغاری آن زن (منوچهری)

در این گونه تشبیهات پندار شاعرانه آنچنان پرورده و سنجیده است که به پرده ای دلاویز و رنگارنگ می ماند که نگارگری استاد رقم زده باشد و هر تشبیهی که دارای چنین ساختی نباشد «غیرتمثیل» است. (کزاری، ۱۳۷۳: ۶۰)

غیر تمثیل: تمثیلی است که وجه شبه در آن شکل و هیئت برداشته شده از چند چیز نباشد؛ مانند « چهره‌ی او چونان ماه تمام است» (همایی، ۱۳۷۰: ۴۴)

ارکان تشبیه

تشبیه دارای چهار رکن یا بنیان است که به مجموع آنها «ارکان تشبیه» گفته می‌شود:

ـ مشبه؛

ـ مشبه به؛

ـ ادات تشبیه؛

ـ وجه شبه

برخی غایت و هدف از تشبیه را نیز جزو ارکان تشبیه آورده‌اند.

هدف و خواست سخنور از تشبیه گوناگون است؛ مانند: بیان امکان مشبه، بیان حال او یا میزان شدت و ضعف صفت در آن، ستایش یا نکوهش مشبه، برتری دادن مشبه بر مشبه‌به و نشان دادن اهمیت و مشبه‌به و دلیل دل بستگی و یا نیاز به آن.

تشبیهات مجموعه داستان های شهری چون بهشت

داستان شهری چون بهشت

دراتاق پنجدری بزرگی رختخواب‌ها را جفت می انداختند و علی و دو خواهرش بعد از اینکه اتاق را از گرد و غبار بازی های خود می انباشتند در رختخواب‌ها می خوابیدند. (دانشور، ۱۳۶۱: ۱۱)

نوع تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: بازی

مشبه به: طوفان، گرد و غبار

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

وجه شبه: گرد و غبار به پا شدن.

نه مث من ننه جون که ابرو ندارم هیچی چشام کپه نخوچی. (همان:۱۲)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: چشام

مشبه به: کپه نخوچی

دماغم کپر دکونه لبام توت می تکوله – ننه جون من هنوز خونه آقائی بزرگت بودم که یک روز از خونه لواب اومد خونه آقائی بزرگ. (همان:۱۲)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: دماغم

مشبه به: کپر دکونه

وجه شبه: پهن بودن

علی حتی به یاد داشت که روزی باجی دلنواز عصازنان با لباسه‌ای پاره مثل درخت لته کهنه به خانه آن ها آمد. (همان:۱۳)

نوع تشبیه:مفرد حسی به حسی

مشبه: لباس های پاره

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: درخت لته

وجه شبه: کهنه بودن

جغد بال خود را مثل باد بزن باز کرد و پرواز کرد. (همان:۱۹)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

(تشبیه صریح یا مطلق)

مشبه: بال

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: باد بزن

مهرانگیز مثل فرفره می چرخید. (همان:۲۱)

تشبیه: مفرد حسی به حسی

نوع تشبیه (صریح یا مطلق)

مشبه: مهرانگیز

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: فرفره

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

وجه شبه محذوف: چرخیدن

علی کنار نعش مهرانگیز نشسته بود. نیر با شکم پیش آمده ایستاده بود. سایه اش بر دیوار مثل هرمی بود که بر یک گوشه ایستاده. (همان:۲۹)

نوع تشبیه: مرکب حسی به حسی (صریح یا مطلق)

مشبه: سایه نیر

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: هرم

داستان عید ایرانی‌ها

پسر کوچک تر از همه توی دست و پاهایشان می لولید. بغلش می زدند و می‌گذاشتندش روی نیم تخت توی سرسرا، اما اول یک پایش را زمین می‌گذاشت و بعد پای دیگرش را و چهار دست و پا و گاهی مثل آدم روی دو پا به سراغشان میامد و باطشان را به هم می زد و نمی ذاشت به کارشان برسند. (همان:۳۵)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی(صریح یا مطلق)

مشبه: پسر کوچکتر

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: آدم (بزرگ)

وجه شبه: راه رفتن

وقتی به دکان حاجی فیروز رسیدند بیرق های بالای دکه را دیدند که خیس شده، مثل دو تکه پارچه کهنه آویخته. (همان:۳۷)

نوع تشبیه:مفرد حسی به حسی

مشبه: بیرق ها

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: دو تکه پارچه

وجه شبه: کهنگی

داستان سرگذشت کوچه

پاییز درخت های کوچه را در روز روشن لخت می کرد. جلوم پاهای کوچکی با گالشهایش صدای برگ‌ها را در میاورد. (همان:۴۳)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: پاییز

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مشبه به محذوف: انسان

وجه شبه: اعمال انسانی (لخت می کرد. صدا در می آورد)

دختر شروع کرد به در زدن و من نگاهی به آبادی انداختم که ما را پناه داده بود و اکنون هوای نیمه تاریک غروب محو و آرام خوابیده بود. (همان:۴۴)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: آبادی

مشبه به محذوف: انسان

وجه شبه: خوابیدن و پناه دادن

ظهر که به خانه برگشتم، درخت زبان گنجشک، سلطان درخت‌های کوچه مثل پهلوانی شکست خورده نقش زمین شده بود و روز بعد نه اثری از درخت‌ها بود و نه نوید سایه های تابستانی شان و نه هیزم شکن‌ها. (همان:۴۴)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: درخت زبان گنجشک

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: پهلوان شکست خورده

وجه شبه: روی زمین افتادن

دختر همسایه بود که مثل گنجشک می لرزید. (همان:۴۴)

نوع تشبیه:مفرد حسی به حسی(صریح یا مطلق)

مشبه: دختر همسایه

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: گنجشک

وجه شبه: لرزیدن

شوهرم بغلش کرد و آوردش تو، گفت: مثل گنجشکی است که آدم از دهن گربه قاپیده باشه. (همان:۴۴)

نوع تشبیه:مفرد حسی به حسی (صریح یا مطلق)

مشبه: دختر همسایه

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: گنجشک

وجه شبه: لرزیدن

مثل جوجه ی لاغری بود که پرهایش را درست نکنده باشند. (همان:۴۴)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح یا مطلق)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مشبه: دختر همسایه

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: جوجه لاغر

وجه شبه: ضعف و پریشانی

یک ساعت بعد در خانه را محکم زدند. در را به روی زنی باز کردم که چادر نماز از سرش افتاده بود، و دستش را به دیوار گرفته بود. مرا که دید گفت: «دستم به دامنت، دخترم گمشده، گفته بودم تو اتاق فراش مدرسه بشینه تا برم دنبالش. . . » بعد مثل فنر تا شد و روی پله نشست. فقط گفتم: «دخترتون اینجاست» (همان:۴۵)

نوع تشبیه:مفرد حسی به حسی(صریح یا مطلق)

مشبه: مادر دختر بچه

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: فنر

وجه شبه: تا شدن

مادر بشتاب تو آمد، دختر را با پتو در بغل گرفت، مثل گربه ماده ای که با بچه چشم نشکافته خود ور برود. (همان:۴۷)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی(صریح یا مطلق)

مشبه: مادر

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: گربه ماده

وجه شبه: ور رفتن

بچه را طوری در بغل گرفته بود که انگار گلدان چینی ظریفی را در آغوش دارد و می ترسد از دستش بیفتد و بشکند. (همان:۴۸)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح یا مطلق)

مشبه: بچه

ادات تشبیه: انگار

مشبه به: گلدان چینی

وجه شبه: ظرافت

مثل اینکه هدیه ای برای کسی می برند. هدیه ای برای خاک بعلاوه وقتی خونه آدم چسپیده به قبرسون باشه دیگه چال کردنش که خیلی آسونه

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح یا مطلق) (همان:۵۰)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مشبه: کودک مرده

ادات تشبیه: مثل اینکه

مشبه به: هدیه

در همین موقع در کوچه چنان به شدت باز و بسته شد که استکان روی کرسی لرزید. بعد پسرک دوازده سیزده ساله ای تو آمد. انگار از باغ وحش گریخته بود. (همان: ۵۲)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی

مشبه: پسرک

مشبه به: حیوانات باغ وحش

وجه شبه: وحشی بودن

با همه سختیاش ساختم زندگیمون دو ساله روبراه شده. حالا خداروخوش میاد. و خانم جون اشکی از چشام میومد انگار بارون بهاره. (همان:۵۴)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی(صریح)

مشبه: اشک

ادات تشبیه: انگار

مشبه به: بارون بهار

وجه شبه: فراوانی و شدت

خانم جون اولاد ستون زندگی پدر و مادره. (همان:۵۸)

نوع تشبیه: مرکب حسی به عقلی

مشبه: اولاد

مشبه به: ستون زندگی

وجه شبه: اساس و پایه بودن

داستان مردی که برنگشت

زهرا سلطان مثل آدم های آتش گرفته دور حیاط می دوید و رود – رود – می کرد.

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح) (همان:۱۴۷)

مشبه: زهرا سلطان

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: آدم های آتش گرفته

وجه شبه: دویدن و سرو صدا کردن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ابراهیم یکی یک آب نبات می‌داد دست پسرهایش، که مثل آقاها می‌مکیدند تا او به ابراهیم برسد. (همان:۱۴۸)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: مکیدن بچه ها

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: آقاها

وجه شبه: آرام مکیدن

دلش مثل سیر و سرکه می‌جوشید. پوست تخمه‌ها و هسته ها را جمه کردو ریخت گوشه چادر نمازشو رفت که آنها را بدهد دم آب روان. (همان:۱۵۰)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: دل

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: سیر و سرکه

وجه شبه: جوشیدن

محترم از گرمای کت مخمل عرق می‌ریخت و از بوی آن دلش آشوب می‌شد. کاش پدرش چله ی زمستان که مثل بید می لرزید، این کت را کرده بود تنش. (همان:۱۵۱)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: محترم

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: بید

وجه شبه: لرزیدن

چیزی نمانده بود که کت مخمل مثل جگر زلیخا سوراخ سوراخ بشود که اشراف سادات باز رسید به دادشان. (همان:۱۵۱)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: کت مخمل

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: جگر زلیخا

وجه شبه: سوراخ سوراخ بودن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

داستان صورت خانه

سیاه نگاهی به تماشاگران انداخت. به نظرش غول هزار دستی آمد که هر دستش یکجایی بند است

نوع تشبیه: مفرد حسی به عقلی (صریح) (همان:۱۶۶)

مشبه: تماشاگران

مشبه به: غول هزار دست

وجه شبه: پراکنده بودن

ای تو که اونجا نشسته ای و چشمات تو تاریکی مثل چشم گربه برق می زنه. (همان: ۱۷۰)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: چشم تماشاگر

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: چشم گربه

وجه شبه: برق زدن

دختر خلیفه ازون دخترا نیس او هم مثل سیاهتونه. همه مون مثل سیاها هستیم. تک و توکی تو ما سفیدن. (همان: ۱۷۰)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: همه ی ما

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: سیاها

وجه شبه: چشم و دل پاک داشتن

این شاهزاده سرو قد به خواستگاری من از چین و ماچین آمده. (همان:۱۷۳)

نوع تشبیه: بلیغ

مشبه: قد شاهزاده

مشبه به: سرو

وجه شبه: بلندی

سیاه حرف جوجی خان را برید و گفت: قربون شما مثل ماشین دودی شابد و لزیمین. دیر راه میفتین، اما وقتی راه افتادین دیگه ترمز نمی‌کنین. (همان:۱۷۴)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: شما

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: ماشین دودی شابدولزیم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

وجه شبه: دیر راه افتادن و سریع رفتن

دختری که به ماه شب چهارده می گوید تو در نیا که من درآمدم. (همان:۱۷۵)

نوع تشبیه: تفضیل

مشبه: دختر

مشبه به: ماه شب چهارده

وجه شبه: زیبایی

درست مثل این است که آدم تف بیندازد تو روی خودش بیچاره دختر سیاه همیشه از دوردیده بودش با آن موهای خرمایی. (همان:۱۷۹)

نوع تشبیه: مفرد عقلی به حسی (صریح)

مشبه: کوچک کردن خود

ادات تشبیه: مثل این است

مشبه به: تف تو روی خود انداختن

جوجی خان پشت میز تحریر نشست. سیاه اندیشید که حالا شروع می شه. مثل دو گربه مست روبروی هم وایسادن. (همان:۱۸۰)

نوع تشبیه: مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: جوجی خان و دختر

ادات تشبیه: مثل

مشبه به: گربه

وجه شبه: مستی

تشبیهات داستان های از پرنده های مهاجر بپرس

داستان برهوت

مثل یک همزاد مثل یک سایه با او همراهم. (دانشور، ۱۳۷۶: ۴)

(می توانیم تشبیه جمع هم در نظر بگیریم).

تشبیه مفرد حسی به عقلی

مشبه: من

ادات: مثل

مشبه به: همزاد

وجه شبه: همراهی دائم داشتن

تشبیه مفرد حسی به حسی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مشبه: من

ادات: مثل

مشبه به: سایه

وجه شبه: همراهی دائم داشتن

اما شایعه ها و تابعه ها که اول یک گلوله برفند و به دامنه که می‌رسند به صورت بهمن در می آیند. (همان: ۷)

مفرد عقلی به حسی

مشبه: شایعه

مشبه به: گلوله برف

وجه شبه: به مرور بزرگتر شدن

به مرد روحانی نگاه کردم. شبیه مجسمه ی ابن سینا در همدان، نشسته بود. (همان: ۸)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: مرد روحانی

ادات: شبیه

مشبه به: مجسمه ابن سینا

وجه شبه: بی حرکت نشستن

چه تشویشی قلب مرا به صورت یک مشت در سینه ام به زندان کشیده است. یک مشت آهنی. یک مشت سنگی. (همان: ۹)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: قلب

ادات: به صورت

مشبه به: مشت

وجه شبه: محکم و سفت بودن

داستان میزگرد

گفتم- هیچ کاری نکنید. هیچ کاری نکردن بهترین کارهاست. اخوان - من سنگ زیرین آسیابم. (همان: ۲۵)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: من

مشبه به: سنگ زیرین آسیاب

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

وجه شبه: تحت فشار بودن

مثل ماهی از دست من می لغزی و در می روی تا به دریا برسی، از دریا خبری نیست. (همان: ۳۱)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: اخوان

ادات: مثل

مشبه به: ماهی

وجه شبه: لغزنده بودن

اخوان - روح بهتر می تواند بکشد آدم را آنقدر روح من مثل خوره درونت را می جود تا بمیری. (همان: ۳۲)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: روح من

ادات: مثل

مشبه به: خوره

وجه شبه: از بین برنده بودن

داستان مرز و نقاب

ام من بی نقاب، بی دروغ چه بودم ؟ خوک، میمون ؟ موریانه که هم زنم را مثل چوب می جویدم و هم افسانه را و هر دو را از درون می پوسانیدم ؟. (همان: ۳۸)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: زنم

ادات: مثل

مشبه به: چوب

وجه شبه: پوساندن و از بین بردن

آن شب در کافه بهشت تهران همه جور آدمی وول می زد. . . تلو تلو می رفت یا مثل بچه آدم سرجاش می نشست. (همان: ۴۰)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: آدم ها

ادات: مثل

مشبه به: بچه آدم

وجه شبه: آرام نشستن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

همانجا خط مرزی بود. مرده تو دوساعت پیش زنت را به مکه فرستادی. زنی که شبیه حضرت مریم است. (همان: ۴۱)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: زن

ادات: شبیه

مشبه به: حضرت مریم

وجه شبه: مقدس بودن و پاکی

کاش می‌شد به چشم های هیولای بی سر و ته جمعیت نگاه کرد. (همان: ۴۶)

تشبیه مفرد حسی به عقلی (وهمی)

مشبه: جمعیت

مشبه به: هیولا

وجه شبه: بی سرو ته بودن

کتاب صورت زنم را نمی توانستم بخوانم. (همان: ۵۰)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: صورت زنم

مشبه به: کتاب

وجه شبه: نا خوانا بودن

در اینکه زن یک اثر هنری است شکی نیست. (همان: ۵۳)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: زن

مشبه به: اثر هنری

وجه شبه: زیبا و هنرمندانه بودن

داستان باغ سنگ

اما پاها و دست هایش رشد نکرده بود – نیهای قلیان – و هر چه الماس یک حرف و دو حرف بر زبانش گذاشت، به حرف نیامد و هر چه پا به پا بردش راه نرفت – یک لخته گوشت. (همان:۹۲)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: پاها و دست ها

مشبه به: نیهای قلیان

وجه شبه: لاغری و باریکی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: فیروز

مشبه به: یک لخته گوشت

وجه شبه: بی حرکت بودن.

آیا مثل جواد یک داد کلیمانجارویی سر او خواهد زد که چرا مثل بچه آدم وا نمی دهد؟ یک نعره مثل شیر نماد فیلم های ساخت متروگلدوین مایر. (همان: ۹۵)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: او (عروس)

ادات: مثل

مشبه به: بچه ی آدم

وجه شبه: مطیع بودن.

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: داماد

ادات: مثل

مشبه به: شیر

وجه شبه: نعره زدن.

آب فراوانی که مثل الماس بدرخشد و مثل اشک چشم زلال باشد. (همان: ۹۶)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: آب فراوان

ادات: مثل

مشبه به: الماس

وجه شبه: درخشیدن.

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: آب فراوان

ادات: مثل

مشبه به: اشک چشم

وجه شبه: زلال بودن.

داستان دو نوع لبخند

زندگی شاید یک صحرا باشد و دوستی تنها واحه آن است. (همان: ۹۹)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

تشبیه مرکب عقلی به حسی

مشبه: نقش دوستی در زندگی

مشبه به: نقش واحه در بیابان

وجه شبه: نقطه امید و نجات بخش بودن.

و گفتم که زن‌ها همه شان کما بیش از یک جنم اند و تفاوتشان مثل تفاوت انگبین و قند و خرما و کشمش و شیره است. (همان:۱۰۱)

تشبیه مرکب حسی به حسی

مشبه: تفاوت زن ها با هم

ادات: مثل

مشبه به: تفاوت انگبین و قند و خرما و کشمش و شیره

وجه شبه: شباهت زیاد و تفاوت اندک.

دکتر آلفردو نامی به من اطمینان داده بود که مثل یک ماده گاو سالمم. (همان: ۱۰۱)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: من (سیمین)

ادات: مثل

مشبه به: ماده گاو

وجه شبه: مونث و سالم بودن.

داستان ربوت سخن گو

و خودم جمله اش را تمام کرده بودم که نامرا خوب و بد شد. (همان: ۱۰۵)

تشبیه مضمر حسی به حسی

مشبه: من

مشبه به: گاو

وجه شبه: دوشیدن و در اینجا سوء استفاده کردن منظور است.

با چه عشقی برایش خانه ساختم. شبیه قارچ. (همان: ۱۰۵)

تشبیه مفرد حسی به حسی

مشبه: خانه

ادات: شبیه

مشبه به: قارچ

وجه شبه: شباهت خانه به قارچ.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

داستان از پرنده های مهاجر بپرس

نمی دانم مادرم ذهن مرا که مثل فرفره می چرخید در خواب هایش مرور می کرد یا نه. (همان: ۱۱۲)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: ذهن من

ادات: مثل

مشبه به: فرفره

وجه شبه: چرخیدن.

لاله ی گوش بچه شبیه یک گلبرگ بهاره بود که تازه باز شده باشد. (همان: ۱۱۴)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

مشبه: لاله گوش بچه

ادات: شبیه

مشبه به: گلبرگ بهاره

وجه شبه: تازه باز شدن.

داستان متبرک باد خلیفه بودن انسان بر زمین، متبرک باد

اما شادی به افسانه می مانست هر چند همه اسباب آن برایم فراهم بود. (همان: ۱۲۰)

تشبیه مفرد عقلی به عقلی

مشبه: شادی

ادات: می مانست

مشبه به: افسانه

وجه شبه: وجود نداشتن و غیر واقعی.

آیا من مثل یک رویا از یک کتاب نوشته نشده بیرون نیامده بودم. (همان: ۱۲۲)

تشبیه مفرد حسی به عقلی (صریح)

مشبه: من

ادات: مثل

مشبه به: یک رویا

وجه شبه: از کتاب نوشته نشده بیرون آوردن.

و من شبیه آن طوطی در بند، در مثنوی مولانا بودم که پوشش تن را رها کرد تا روحش به پرواز دربیاید. (همان: ۱۲۲)

تشبیه مفرد حسی به حسی (صریح)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مشبه: من

ادات: شبیه

مشبه به: طوطی

وجه شبه: پرواز روح پس از رهایی از زندان تن.

نتیجه گیری

در این پژوهش دیدیم که سیمین دانشور چگونه به وسیله‌ی بیان غیر مستقیم، و کاربرد تشبیهات تازه به غنای داستان های خود افزوده است. گرچه نتوانیم برخی تشبیه ها را با نظرات علمای بیان تطبیق بدهیم از زیبایی آنها کاسته نمی شود زیرا پیشرفت فنون ادبی ونوشتن آنها، بستگی به ذهن خلاق ادبای هردوره دارد. نیز با توجه به فرهنگ جامعه ی روستایی، و نوع تشبیهاتی که آنها به کار می‌برند؛ چنین آرایه هایی را به کار میرود. دارا بودن زمینهٔ اساطیری داستان های دانشور و وسعت اشارات اساطیری در آن ها، ژرفای دانش و آگاهی وی را به سرچشمهٔ باورها و فرهنگ ایران باستان و نگاه ریزبینانه اش را به لایه های پنهان در زوایای ناخودآگاه اندیشه های مردم نشان می دهد. یکی از این اسطوره ها، که مورد توجه سیمین دانشور قرار گرفته، اسطورهٔ گیاه پیکری اولیهٔ بشر است.

چنانکه داده های تحلیلی ارائه شده حاکی از پیوستگی برخی از شخصیت‌ها داستانی سیمین دانشور با بنمایه های اسطورهٔ گیاه پیکری اولیهٔ بشر و ارتباط انسان با گیاهاز منظر اساطیر ایران است. این مهم از سویی گویای نامیرایی و دگرگونی اسطور ها در حیات بشری و تداوم آن ها در ذهن ناخودآگاه انسان در هر عصر و زمانی است. از دیگر سو بسامد بالای نمادهای اسطورهٔ گیاه پیکری را می توان در داستان های کوتاه سیمین دانشور جزو خصیصه سبک فکری، یعنی محتوا و مضمونی پویا و پنهان در ضمیر ناخودآگاه او محسوب داشت. این اسطوره که در اثر جابه جایی تدریجی و ممتد دگرگونی بسیار پذیرفته به صورت های گوناگونی در آثار دانشور در پیوند با عنصر شخصیت های داستانی نمود یافته است از جمله: استمرار حیات جنبهٔ تقدس آمیز بودن درخت، اهریمنی مو و خون شخصیت در گیاه، رویش گیاه از پنداشتن شخصیت درخت افکن، روییدن درخت همزاد، جان پنداری گیاهان، تشبیه شخصیت ها به درختانی که از وجههٔ اساطیری قویتری برخوردارند.

آن چه در داستان های دانشور وجود دارد وجود یک حس دینی خاص، نه نوع تبلیغی آن است که وی آن را به خوبی در داستان هایش تزریق می کند و آن ها را با آن تلطیف می نماید ! سیمین دانشور فاصله ی بین نویسنده ضعیف تا نویسنده ای توانابودن را در زمانی طولانی طی کرده است تا جایی که در سال‌های بعد شاهکار خود سووشون را نوشت. دانشوری کهآتش خاموشرا نوشت، هنوز آن نویسنده ژرف نگری تأمل‌انگیزی نیست که در مجموعه شهری چون بهشت می‌توانیم سراغ بگیریم. او در نوشتن صحنه های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مختلف بسیار دقیق و زیبا عمل کرده است و بدون شک به کارگیری صحیح و به جای آرایه تشبیه از عوامل مهم موفقیت وی بوده است.

در این پژوهش دیدیم که نویسنده چگونه به وسیله‌ی بیان غیر مستقیم و کاربرد تشبیهات تازه به غنای داستان های خود افزوده است. گرچه نتوانیم برخی تشبیه‌ها را با نظرات علمای بیان تطبیق به دهیم از زیبایی آنها کاسته نمی شود زیرا پیشرفت فنون ادبی ونو شدن آن ها، بستگی به ذهن خلاق ادبای هردوره دارد. نیز با توجه به فرهنگ جامعه ی روستایی، و نوع تشبیهاتی که آن ها به کار می برند؛ چنین آرایه هایی را به کار می برد.

دارا بودن زمینهٔ اساطیری داستان های دانشور و وسعت اشارات اساطیری در آن‌ها، ژرفای دانش و آگاهی وی را به سرچشمهٔ باورها و فرهنگ ایران باستان و نگاه ریزبینانه اش را به لایه‌های پنهان در زوایای ناخودآگاه اندیشه‌های مردم نشان می‌دهد؛ همچنین تعداد زیادی از تشبیهات در داستان های سیمین دانشور مربوط به ضرب‌المثل‌ها و کنایات عامیانه هستند که در مثال ها ذکر شده است و این موضوع تسلط وی بر باورهای گذشتگان و ادبیات شفاهی را نشان می دهد.

آن چه در داستان‌های دانشور وجود دارد وجود یک حس دینی خاص، نه نوع تبلیغی آن است که وی آن را به خوبی درقالب تشبیه و دیگر آرایه ها به داستان هایش تزریق می کند و آن ها را با آن تلطیف می‌نماید.

از میان انواع تشبیه از نظر حسّی و عقلی بودن طرفین تشبیه بیش‌ترین درصد را تشبیه حسّی به حسّی به‌خود اختصاص داده است و این مسأله باعث می‌شود که اگر از نظر سبک‌شناسی به خواهیم تشبیهات دانشور را در یکی از ادوار شعری فارسی قرار دهیم، سبک خراسانی را انتخاب می‌کنیم که قدیمی‌ترین دوره در میان ادوار شعر فارسی است. زیرا از دید شمیسا: «تشبیه حسّی به حسّی در ادبیّات قدیم معروف به سبک خراسانی رایج بوده است» و تشبیه وهمی و خیالی نسبت به تشبیهات حسی و عقلی به صورت محدودتر به کار رفته اند. نکته ای که تشبیهات او را خاص می نماید ترکیبات تازه و تشبیهات جدید است، تشبیهاتی که گاهی در عین سهولت ذهن خواننده را دقایقی درگیر می‌کند تا به ژرفای منظور نویسنده به رساند. در مقابل، داستان‌های او از تشبیهات ساده و تکراری هم خالی نیست با وجود این ملال آور نمی شود و خوانندهٔ مشتاق را از پی گیری داستان باز نمی‌دارد. در پایان باید گفت تشبیه از صناعات ادبی است که می‌تواند در گفتگوها مورد استفاده قرار گیرد و به خوبی مقصود نویسنده را با توصیفات قوی بیان کند چون انسان از ماهیت بسیاری از امور آگاه نیست و تشبیه برای این شناخت کمک شایانی به او می‌کند. تاثیرگذاری این مفاهیم که در قالب تشبیه بیان شده اند بسیار بیشتر از بیان مستقیم آن‌ها است. در داستان‌های کوتاه دانشور نیز با گفتگوهای زیادی روبه رو می‌شویم که نویسنده در بسیاری از آن‌ها از تشبیه به کار برده است؛ تشبیهاتی که سرشار از ضرب المثل ها و باورهای عامیانه است و همین موضوع قابل فهم بودنشان را چند برابر می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

دانشوراز انواع مختلف تشبیه از جمله تشبیه مفرد، مرکب، وهمی، خیالی، تفضیل، مضمر و بلیغ در داستان‌های کوتاه خود استفاده کرده است. به کار گیری انواع تشبیه توسط نویسنده بیانگر توانایی و قدرت وی در استفاده ی مناسب و به جا از این آرایه در جهت توصیف بهتر و قابل فهم کردن داستان هایش است. با بررسی داستان‌ها و مشخص کردن انواع مختلف تشبیه، نگارنده به این نتیجه رسید که تشبیه حسی به حسی بیشترین درصد را از بین تشبیهات دارا است.

همچنین وجه شبه‌های تشبیهات در داستان های کوتاه دانشور از نوع حسی بودند و این ویژگی تاثیر بسیار زیادی در دریافت راحت و قابل فهم بودن تشبیهات به‌کار رفته توسط نویسنده دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

ـ تقوی، نصرالله (۱۳۱۷). هنجار گفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی، ج۱، تهران.

ـ حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۶۲)، دیوان، ج ۱، غزل ۴۸۲، چاپ پرویز ناتل خانلری، تهران.

ـ دانشور، سیمین. (۱۳۷۶)، از پرنده‌های مهاجر بپرس، تهران: نشر کانون، نشر نو.

ـ دانشور، سیمین (۱۳۶۱)، آتش خاموش، چاپ پنجم، تهران خوارزمی.

ـ شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۰)، صور خیال در شعر فارسی. تهران. انتشارات نیل

ـ صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۲)، تاریخ ادبیات در ایران. چاپ سوم. تهران: ابن‌سینا.

ـ کاشفی، حسین بن علی. (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ج۱، چاپ میرجلال الدین کزّازی، تهران.

ـ کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۶۱)، زیباشناسی سخن پارسی(۱)، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز.

ـ همائی، جلال الدین. (۱۳۷۰)، معانی و بیان، چاپ ماه دخت بانو همایی، تهران.

ـ همایی، جدال الدین. (۱۳۶۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات توس، ج۲، چاپ دوم.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]